

نگاهی به سیاست ترکیه در تنش روسیه و اوکراین

روابط ترکیه و روسیه در سال‌های گذشته به سطح بالایی رسیده و به متغیر مهمی تبدیل شده که بر بسیاری از مسائل پیرامونی و سیاست خارجی ترکیه تأثیر گذاشته است.



به گزارش آران نیوز به نقل از آناج، در روزهای گذشته، بسیاری از روزنامه‌های چاپ ترکیه، تنش بین روسیه و اوکراین را برجسته کردند. آنان با استفاده از تیتراژی‌های همچون صدای ناقوس جنگ در اوکراین، نشان دادند که مساله اوکراین و دریای سیاه تا چه اندازه برای ترکیه اهمیت پیدا کرده است.

اما سوال اینجاست، آیا ترکیه می‌تواند به عنوان یک عضو موثر ناتو، در صورت بروز درگیری جدی بین روسیه و اوکراین، در تقابل با روسیه وارد میدان شود؟ پاسخ به این سوال دشوار است. چرا که ترکیه، در چند سال گذشته، به شکل چشمگیری به روسیه نزدیک شده و از ناتو، آمریکا و اتحادیه اروپا، فاصله گرفته است. در نتیجه انتخاب گزینه خوابیدن بین لحاف، یکی از گزینه‌های معقول آنکارا است.

کارشناسان معتقدند که بخشی از منافع سیاسی ترکیه در گرو این است که ناچار نشود در صورت افزایش تنش بین روسیه و اوکراین، موضع جانبدارانه اتخاذ کند.

محمد کوچاک از تحلیل‌گران موسسه مطالعات سیاسی اقتصادی (SETAV) نزدیک به ائتلاف فکر حزب حاکم ترکیه، در مورد انتقال نیروهای نظامی روسیه به مرز اوکراین نوشته است: «تجمع نیروهای نظامی روسیه در مناطق مرزی اوکراین و رویارویی لفظی و سیاسی متقابل دو کشور، احتمال جنگ را به ذهن متبادر کرد. تعداد نیروهایی که روسیه در طول سال به مرز اوکراین منتقل کرده به حدود یکصد و بیست هزار نفر افزایش یافته است. گفته می‌شود که این واحدها شامل عناصر غیرنظامی مانند پرسنل پزشکی نیز می‌شوند که می‌توانند در یک اشغال طولانی مورد استفاده قرار گیرند. تهاجم در این قد و قواره، نه تنها برای اوکراین، بلکه برای دریای سیاه و اروپا عواقب جدی خواهد داشت. با این حال، هنگامی که استراتژی امنیتی و سبک عملیات روسیه با این پارامترها ارزیابی شود، مشاهده خواهد شد که روسیه دلیل معتبری برای حمله به اوکراین ندارد، چنین عملیاتی با فرهنگ استراتژیک روسیه مطابقت ندارد و تحرک تجربه شده منجر به چنین نتیجه‌ای نخواهد شد. با این افزایش نظامی، روسیه قصد دارد امتیازاتی از غرب به ویژه در مورد سیاست اروپای شرقی ناتو بگیرد. واقعیت این است که تلاش برای عضویت اوکراین در ناتو و همچنین افزایش حمایت نظامی ایالات متحده از اوکراین، موضوعاتی هستند که توجه مسکو را به سوی خود جلب کرده‌اند. در نتیجه استقرار نیرو، یک واکنش سیاسی – نظامی مهم است.»

این کارشناس امنیتی ترکیه در ادامه نوشته است: «روسیه نیازی به حمله مستقیم به منطقه ندارد زیرا شرق اوکراین در حال حاضر تحت سلطه عملی روسیه است و این کشور، از اقدام مهمی همچون الحاق کریمه، صرف نظر نکرده است. در روندی که در سال 2014 آغاز شد، روسیه از شبه نظامیانی که شورش در شرق اوکراین را رهبری کردند و جمهوری خلق دونتسک و لوهانسک (DHC و LHC) را تأسیس کردند، حمایت نظامی کرد. پس از آن، اگرچه روسیه به طور رسمی این ساختارها را به رسمیت نشناخت، اما از بسیاری جهات از آنها حمایت کرد و هر دو را به خود وابسته کرد. در همین حال، روسیه به مردم ساکن در منطقه کمک‌های اجتماعی ارائه کرد و از طریق فرآیندهای تسهیل شده، تقریباً یک میلیون نفر معادل یک چهارم منطقه را قادر ساخت تا گذرنامه روسی دریافت کنند. در نتیجه این اقدامات، منطقه از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با روسیه یکپارچه شد. با الحاق رسمی این مناطق، روسیه نمی‌خواهد از طریق دست دادن وجهه بین‌المللی و هزینه‌های اقتصادی از طریق تحریم‌های اقتصادی احتمالی، متحمل خسارات و هزینه‌های سیاسی بیشتری شود.»

سپر ترکی در برابر روسیه

یکی از مهمترین ابعاد اهمیت یافتن تنش اوکراین و روسیه برای ترکیه، این است که فروش ۲۰ فروند پهپاد پیشرفته بی‌قادر به اوکراین، عملاً تحریک و اعتراض مقامات روسی را به دنبال آورده است. مقامات کرملین، بارها از دولت اردوغان گلایه کرده و پرسیده‌اند: چرا با فروش پهپاد به اوکراین، کاری می‌کنید که امنیت دریای سیاه به خطر بیفتد. پس از تنش‌های بین دو کشور در سال ۲۰۱۴ آغاز شد، اوکراین یک پیشرفت جدی در نوسازی نظامی ایجاد کرد. در چارچوب این پیشرفت، اوکراین، انواع مختلفی از سلاح‌ها را برای تجهیز ارتش خود برای مقاومت در برابر تهاجم احتمالی ایالات متحده تهیه کرد. همچنین آمریکا، نیروهای خود را برای آموزش ارتش اوکراین در این کشور مستقر کرده است. موفقیت هواپیماهای بدون سرنشین بی‌قادر تی بی ۲ تولید ترکیه، در برابر شبه نظامیان تحت حمایت مسکو، واکنش منفی دولت پوتین را به دنبال آورد.

شرایط سخت و حساس ترکیه

دولت اردوغان عملاً سال ۲۰۲۰ میلادی را به سال عادی سازی روابط تبدیل کرده و آن چه در دستور کار وزارتخانه تحت امر مولود چاووش اوغلو قرار گرفته، عبارتند از: ۱. تلاش برای عادی سازی رابطه با مصر، امارات متحده عربی، عربستان سعودی، ارمنستان و رژیم صهیونیستی. ۲. تلاش برای کاهش تنش در شرق مدیترانه.

در شرایطی که بخش مهمی از هدف گذاری و انرژی دستگاه دیپلماسی ترکیه صرف عادی سازی روابط و کاهش تنش شده، در حوزه انرژی و صنایع دفاعی نیز چنین اقداماتی در جریان است: ۱. تداوم خرید موشک اس ۴۰۰ از روسیه. ۲. تلاش برای به فرجام رساندن برداشت از میدان‌های گازی دریای سیاه. ۳. تلاش برای تحویل پهپادهای جدید به اوکراین؛ لهستان، مجارستان و چند خریدار دیگر. ۴. تداوم انتقال گاز روسیه و جمهوری آذربایجان از طریق دو خط تانپ و ترک استریم به اروپا. ۵. تداوم همکاری امنیتی با ناتو. ۶. تداوم حمایت از تاتارها و آبخازها.

مرور اجمالی تابلوی بالا، نشان می‌دهد که اردوغان نمی‌تواند با همان لحن تند و پیروزمندانه‌ای که صدای خود را در برابر فرانسه، یونان، قبرس و دیگران بلند می‌کند، با پوتین و روسیه نیز به همان شکل صحبت کند.

در نتیجه حفظ موازنه ظریف و حساس رابطه با روسیه، برای دستگاه دیپلماسی ترکیه دارای اهمیت حیاتی و استراتژیک است. در شرایطی که ترکیه تلاش می کند از مواهب و پیامدهای توسعه رابطه با اوکراین سود ببرد، در عین حال باید این بازی حساس را به شکلی مدیریت کند که موجب تحریک آنی و تند روسیه نشود.

در پایان باید به این اشاره کرد که روابط ترکیه و روسیه در سالیان گذشته به سطح بالایی رسیده و به متغیر مهمی تبدیل شده که بر بسیاری از مسائل پیرامونی و سیاست خارجی ترکیه تأثیر گذاشته است. در نتیجه نوع و ماهیت روابط ترکیه با اوکراین و نگرش آنکارا نسبت به تاتارهای کریمه، می تواند به مرور زمان، به عاملی برای بالابردن اختلاف بین ترکیه و روسیه تبدیل شود.